

Rental uterus: determining the lineage, inheritance and prohibition of exploitation of women with emphasis on the legal system of Iran and some European countries

Zeynab Parnak^۱

1- Masters of Islamic Azad University, Rafsanjan Branch

Abstract.

Today, some couples, for various reasons, are not able to conceive and have children, and from this perspective, they face many emotional and social deficiencies that sometimes lead to separation. One way for infertile couples to adopt is to use "alternative uterus" technology. The use of this method can create problems for this type of family in the future in the areas related to inheritance laws. To classify and compile with a descriptive-analytical method in a new and fresh look. Among the results obtained, we can point out that in the matter of the lineage of the child, citing the Holy Qur'an and Islamic tradition, we came to the conclusion that the owner of the egg is the mother and the woman who has raised the fetus in her womb is the judge. Satisfaction is imposed on her and as a result, intimacy and sanctity of marriage is established between her and the child, and also in the case of paternal lineage, it is concluded that the husband owns the egg and, in other words, the sperm is the real father of the child. Because we have proven that the owners of eggs and sperm are real parents. Therefore, according to the proposed laws, the relative relatives inherit from each other, the child is genetically attributed to the owner of the sperm and the owner of the egg, and there is inheritance between them. Another important point is that many countries, in order to achieve laws in line with the non-exploitation of women, have banned rental wombs or have enacted laws to prevent the exploitation of women. In Europe, beyond lineage and inheritance, the issue of respect for women's rights in this area is a point that in Iran is reflected only around the absence of girls as rented mothers, which is due to customary law, and not respect for rights. Women.

Keywords :

^۱ Email: Parnak.uni@gmail.com

Rental uterus, mother, owner of the uterus, inheritance laws.

رحم اجاره ای: تعیین نسب، ارث و ممنوعیت بهره کشی از زنان با نگاهی به نظام حقوقی ایران و برخی کشورهای اروپایی

زینب پرناک^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۴

چکیده

امروزه برخی از زوج ها به دلایل گوناگون، توانایی باروری و دارای فرزند شدن را ندارند و از این منظر با نارسایی های عاطفی و اجتماعی بسیاری رو به رو می شوند که گاه به جدایی منجر می شود. یکی از راه های صاحب فرزند شدن زوجهای نابارور، بهره گیری از فن آوری «رحم جایگزین» است. استفاده از این روش می تواند در آینده برای این نوع از خانواده های مشکلاتی را در حیطه های مربوط به قوانین ارث به وجود بیاورد در نتیجه و با توجه به اهمیت این موضوع در صدد بر آمدیم تا نکات مهم پیرامون این موضوع را جمع آوری و طبقه بندی کرده و با روش توصیفی - تحلیلی در نگاهی نو و تازه تر تدوین کنیم. در میان نتایج به دست آمده می توان به این نکته اشاره داشت که در موضوع نسب طفل، با استناد به قرآن کریم و سنت اسلامی به این نتیجه رسیدیم که صاحب تخمک، مادر محسوب می شود و زنی که جنین در رحم خود پرورش داده، حکم رضاعی بر او بار می شود و در نتیجه بین او و کودک محرمیت و حرمت نکاح به وجود می آید و هم چنین در مورد نسب پدری هم این نتیجه حاصل شد که شوهر زن صاحب تخمک و به عبارتی صاحب اسپرم پدر واقعی طفل محسوب می شود. از آنجا که ثابت کردیم که صاحبان تخمک و اسپرم والدین حقیقی هستند، بنابراین طبق قوانین ارائه شده، اقارب نسبی از یکدیگر ارث می برند، کودک از جهت ژنتیکی منتسب به صاحب اسپرم و صاحب تخمک بوده، و بین آنها توارث برقرار است. نکته مهم دیگر این است که بسیاری از کشورها در جهت دست یابی به قوانینی هم سو با عدم بهره کشی از زنان، رحم اجاره ای را با ممنوعیت مواجه کرده اند و یا قوانینی در راستای عدم بهره کشی از زنان وضع کرده اند در واقع بیشترین موضوع مورد توجه در اروپا و رای از نسب و ارث، موضوع رعایت حقوق زنان در این زمینه است، نکته ای که در ایران تنها حول محور عدم حضور دختران به عنوان مادر اجاره ای، آن هم به تبع قوانین عرفی، بازتاب یافته است و نه رعایت حقوق زنان.

واژگان کلیدی: رحم اجاره ای، مادر، صاحب رحم، قوانین ارث.

^۱ - دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان، ایران.



مقدمه

یکی از روشهای نوین در درمان ناباروری که امروزه بیش از سایر روشهای کمکی تولید مثل از نظر حقوقی و پزشکی مورد توجه واقع شده است، استفاده از رحم جایگزین است که به موجب آن امکان بچه دار شدن را برای زنانی که بنا به هر علت فاقد رحم مناسب برای باروری و حمل جنین هستند، از طریق کاشت جنین لقاح یافته از اسپرم و تخمک زوجین در رحم زن دیگر (رحم اجاره ای) امکان پذیر ساخته است.

به این موضوع باید توجه داشته باشیم که تعیین نسب از اصول بسیار مهم در تعیین ارث است. در نتیجه می باید به این نکته توجه کنیم که در ایران نسب کودکان به چه افرادی منسوب می شود و در نتیجه ی آن وضعیت ارث چگونه خواهد بود. حال باید دانست به چه دلایلی در برخی کشورها این موضوع ممنوع است و از سویی چه نکاتی سبب می شود تا با توجه به قوانین فقهی در ایران نسب کودکان به والدین ژنتیکی آن ها واگذار شود و در نتیجه ارث برقرار شود.

از سویی تلاش داریم تا در این پژوهش به این نکته نیز توجه کنیم که دلایل ممنوعیت و عدم توجه به قوانین مربوط به رحم استیجاری در برخی کشورها چیست؟ آیا توجه به فمینیسم این وضعیت را به وجود آورده و آیا تلاش این کشورها در جهت این موضوع است که بهره کشی از زنان را به حداقل برسانند؟ تلاش داریم تا با توجه به ممنوعیت و عدم ممنوعیت در برخی کشورها به این نکات نیز توجه کنیم.

پیشینه

تلقیح مصنوعی، برای نخستین بار در سال ۱۷۶۵ میلادی به منظور اصلاح نژاد و تکثیر نسل حیوانات، به وسیله ی یک دانشمند آلمانی به نام جاکوبین بر روی ماهی ها انجام شد و متعاقب آن، برای تولید مثل انسان نیز آزمایش شد و در برخی کشورها مانند آمریکا معمول شد (صفایی - امامی، ۱۳۸۵: ۳۱۴). با پیشرفت علم و استفاده از تکنیک های برتر، نخستین نوزاد آزمایشگاهی به نام لوییز براون در سال ۱۹۷۸ میلادی در لندن با تلاش دکتر استپتو و همکارانش به دنیا آمد. پس از آن، در سال ۱۹۸۸ میلادی یعنی یک سال پس از این موفقیت در کشور انگلستان، ۹۵۶ کودک از طریق باروری خارج رحمی متولد شدند (۴: gugucheva, ۲۰۱۰). هم چنین در ایالات متحده ی آمریکا، این عمل بیش از چهل هزار بار انجام شده که ۸۷۴۱ مورد، وضع حمل شده و ۵۱۰۳ مورد آن از طریق باروری خارج رحمی (اجاره رحم) بوده است (۴۰: ۲۰۱۲, modermott). بهره گیری از این فناوری از سال ۱۳۶۸ در ایران آغاز شد و هم اکنون، ایران به عنوان یکی از کشورهای پیشرو در این زمینه مطرح

است، اما متأسفانه موضوع تلقیح مصنوعی و به دنبال آن بحث اجاره ی رحم در قوانین، به سکوت برگزار شده و به همین دلیل، یکی از مسائل مستحدثه به شمار می آید. از اینرو، در این پژوهش به بررسی یکی از مهمترین مسائل درباره این کودکان یعنی، نسب آنها و در نتیجه ارث مربوط به آنان پرداخته می شود.

بخش اول: ایران

لازم است در ابتدا به این موارد اشاره کنیم:

قصد و رضای طرفین :

در مورد قصد و رضای طرفین اشکال چندانی در قرارداد مزبور وجود ندارد؛ زیرا از یک طرف، قصد هر یک از طرفین در این قرارداد کاملاً مشخص است، چرا که این قرارداد از جمله عقود خاص بوده و مانند عقود دیگر نیست که احتمال بروز اشتباه در قصد انشاء(چه به صورت حکمی و چه به صورت موضوعی) وجود داشته باشد. در واقع مادر جانشین و زوجین نابارور یک ماهیت حقوقی را اراده می کنند که با توجه به ویژگی خاص آن، احتمال اشتباه و جهل در آن بسیار اندک است. این احتمال نیز که طرفین از قصد یکدیگر برای انجام عمل مزبور آگاهی نداشته باشند، بسیار ضعیف است. (جلالیان، ۱۳۸۶: ۳۳۵)

شرایط زوج نابارور :

برای زوج نابارور، نویسندگان حقوقی یک سری شرایطی را برشمردند؛ از جمله اینکه زوجین متقاضی فرزند باید از کسانی باشند که با روش های عادی و معمولی بچه دار نشده و این امر توسط پزشک متخصص ناباروری تأیید گردد، آنگونه که در ماده یک قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور آمده است. (جلالیان، ۱۳۸۶: ۳۳۰) یا به علت امراض غیر قابل درمان، ادامه بارداری برای زوج و جنین یا هر دو خطرآفرین باشد. (قاسم زاده، ۱۳۹۱: ۴۴۵) همچنین زوجین باید دارای اسپرم و تخمک سالم باشند (رخشنده رو، ۱۳۸۶: ۳۹۲) زیرا ممکن است کسانی که تخمک و اسپرم آن ها در آزمایشگاه لقاح داده می شود دچار بیماری ایدز یا هپاتیت باشند و با کاشتن جنین در رحم فرد سوم، آن فرد نیز به این بیماری دچار گردد.

با توجه به اینکه مادر بر خلاف پدر که فقط از نظر ژنتیک و بیولوژیک با فرزند خود رابطه ی طبیعی و خونی دارد، هم از نظر بیولوژیک از طریق تخمک و هم از نظر فیزیولوژیک از طریق نگهداری کودک در رحم خود با فرزند خویش رابطه طبیعی دارد لذا در چگونگی انتساب فرزند به مادر، نظریه های متعددی ارائه شده است. سؤال این است که آیا عرف نسب از اعتبارات نفس الامری است که دارای منشأ اعتبار واقعی و حقیقی است که این امر اعتباری (نسب) از این منشأ اعتبار می شود.

ارث

در قانون مدنی واژه ارث به چند معنا که نزدیک به هم می باشد به کار برده شده اند :

۱- گاه به معنی مال یا حقی است که پس از مرگ شخص به بازماندگان او می رسد به عنوان مثال در دو ماده ۸۶۲ و ۸۶۳ واژه «ارث» در عبارت قانون متناسب با این معنی است زیرا در ماده ۸۶۲ قانون مدنی می خوانیم : «اشخاصی که به موجب نسب ارث می برند سه طبقه اند ... » یا در ماده ۸۶۳ آمده است « وارثین طبقه بعد وقتی ارث می برند که از وارثین طبقه قبل کسی نباشد» .

۲- گاه دیگر به معنی استحقاق بازماندگان شخص بر دارایی او است برای مثال در ماده ۸۶۱ ق.م می خوانیم « موجب ارث دو امر است: نسب و سبب » و می توان عبارت قانون را چنین تعبیر کرد که آنچه سبب استحقاق وارثان می شود نسب و سبب است.

همچنین مفهوم ارث در عبارت ماده ۸۶۷ ق.م که اعلام می کند « ارث به موت حقیقی یا به موت فرضی مورث تحقق پیدا می کند با این تعبیر متناسب است (کاتوزیان ، ۱۳۹۰ ، ص ۱۳۹)

در واقع ، ارث در این دو ماده به معنی مصدری (ارث بردن) به کار رفته است.

طبقات وارثان

ارث در لغت به معنی ترکه و اموالی است که از متوفای به جا می ماند و به خویشاوندان نسبی (که رابطه و پیوند خونی با متوفای دارند) به ترتیب اقربیت و به خویشاوندان سببی که از جمله آنها همسر می باشد می رسد و در نهایت ارث متوفای بدون وارث از آن امام (ع) است. به طور کلی اشخاصی که به موجب نسب ارث می برند سه طبقه اند:

۱. والدین و اولاد او؛

۲. اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها؛

۳. عمو و عمه، دایی و خاله و اولاد آنها.

در خویشاوندان نسبی عموما خویشاوندان ارث بر نزدیکتر مانع ارث خویشاوندان دورتر می شوند. مالکیت ورثه نسبت به ترکه متوفای وقتی مستقر می شود که کلیه دیون و حقوق مالی که بر ذمه متوفای بوده است تأدیه شود. در بین ورثه طبقه اول اگر میت اولادی نداشته باشد ، اولاد اولاد او هر قدر که پایین بروند جانشین پدر یا مادر خود بوده با هریک از والدین متوفای که زنده باشد ارث می برند ؛ و نیز در طبقه دوم اگر برای متوفای برادر یا خواهر نباشد اولاد آنها هر قدر پایین تر روند جانشین پدر یا مادر خود بوده و با هریک از اجداد متوفای که زنده باشد ارث می برند و همین طور اولاد عمو و عمه ، دایی و خاله در طبقه سوم وقتی که هیچ کدام از آنها نباشند جانشین آنها می شوند . اشخاصی که به فرض ارث می برند عبارتند از : (مادر با حاجب ۱/۶ و بدون حاجب ۱/۳ از کل ترکه) ؛ زوج (با حاجب ۱/۴ و بدون حاجب ۱/۲ از کل ترکه) ؛ زوجه (با حاجب ۱/۸ و بدون آن ۱/۴ کل ترکه) ؛

خواهران و برادران مادری (در صورت انفراد $\frac{1}{6}$ و در صورت تعداد $\frac{1}{3}$ کل ترکه) و وارثین که گاه به فرض و گاه به قرابت ارث می‌برند عبارتند از: پدر، دختر و دخترها، خواهر و خواهرهای ابوینی یا ابی، و وارثین دیگر غیر از مذکورین فقط به قرابت ارث می‌برند. (سالارزایی، ۱۳۷۹: ۱۸۷).

نسب

قانونگذار در قانون مدنی در مواد مربوط به نسب، تعریفی از واژه «مادر» و «پدر» ارائه نکرده است، اما با استفاده از مواد ۱۱۵۸، ۱۱۵۹ و ۱۱۶۰ ق.م. باید گفت مادر، زنی است که طی واقعه زایمان نوزادی از وی متولد شده است و همسر قانونی وی پدر کودک محسوب می‌گردد. همچنین مطابق ماده ۱۹ قانون ثبت احوال، ماما یا پزشکی که در امر زایمان دخیل است، باید گواهی ولادت را به نام و نام خانوادگی مادر (بانوی زایمان کننده) به اداره ثبت احوال اعلام کند.

بنابراین پزشک یا گروه پزشکی نمی‌تواند گواهی ولادت را که بعداً مستند تنظیم سند رسمی ولادت (شناسنامه) قرار می‌گیرد، به نام شخصی جز بانوی زایمان کننده، صادر نماید. با این وجود، در عمل اجرای این قواعد در خصوص کودکان متولد از رحم جایگزین دستخوش تغییر می‌شوند.

در نظر عرف فرزندی که از رابطه‌ی جنسی مرد و زن به وجود آید، بین او و والدینش رابطه‌ای برقرار می‌شود که عرف از آن به «نسب» نام می‌برد. پس نسب عرفاً رابطه‌ای است اعتباری که از پیدایش یک انسان از نطفه‌ی انسان دیگر انتزاع می‌شود. (نایب زاده، ۱۳۷۹: ۲۶۲)

در این خصوص نظرات عمده وجود دارد:

الف) عده ای از فقها ملاک انتساب فرزندان به مادر را زاییدن می‌دانند، یعنی معتقدند که صاحب رحم، مادر طفل است. از نظر این گروه اساساً در زمان نزول آیات و صدور روایات مردم به اطلاعات جدید پزشکی که کودک، حاصل لقاح اسپرم و تخمک است، آگاهی نداشتند و رحم زن را ظرف رشد جنین می‌پنداشتند و با وجود این، زن صاحب رحم را مادر می‌دانستند. این نشان می‌دهد که مبنای داوری آنها زاییدن بوده است، یعنی زنی که کودک را به دنیا می‌آورد، او را مادر می‌دانستند و قانونگذار اسلام نیز این عرف را تحت شرایطی امضا کرده است (محقق داماد، ۱۳۹۲: ۵۱).

این گروه در ادامه برای اثبات نظر خود به آیاتی از قرآن استناد کرده اند از جمله آیه ۲ سوره مجادله. بنابر نظر آنها در این آیه شریفه مادر به طور مطلق و به صیغه حصر، کسی است که فرزند را به دنیا آورده است. بر پایه این استدلال فرزندی که از انتقال جنین به دنیا آمده است، به صاحب رحم منسوب می‌شود، بر همین مبنا، صاحب

جواهرالکلام در یک واقعه مشهور (نجفی، ۱۳۹۴: ۲۹۸) کودک را به همسر مرد، ملحق نمی‌سازد، به این دلیل که از او متولد نشده است.

باید بگوییم احکام بر همان عناوین موضوعات خارجی مرتب می‌شوند نه بر ملاک آنها، خصوصاً احراز ملاکهای واقعی احکام و علم به آنها، غیرممکن است، ثانیاً، از نظر پزشکی ثابت شده که رحم نقش‌هایی دارد، نظیر آماده‌سازی رحم برای پذیرش جنین و کنترل رشد تهاجمی آن، کنترل و مهار سیستم دفاعی موجود در رحم تا جنین دفع نگردد. تبادل پیامها در زمان لانه‌گزینی جنین و در نتیجه تمایز و نمو سلولهای تمایز نیافته جنین و تشکیل جفت برای مبادلات غذایی، تنفسی و مواد دفعی جنین با مادر. (غفاری، ۱۳۷۷: ۵۳) این نقش‌های رحم، اگرچه فراتر از یک ظرف و تغذیه تنها برای جنین است، اما این مقدار آگاهی از نقش‌های رحم، جنبه‌های زندگی و تشکیل‌دهندگی برای جنین ندارد و داوری عرف را درباره پیدایش جنین از اسپرم و تخمک دگرگون نمی‌کند. بنابراین، دلیل عقلی هم قابل‌خداشه می‌باشد. دلیل آخر این گروه عبارت است از عدم قابلیت زیست‌پذیری جنین در خارج از رحم: از نظر آنها ژنتیک مبنای منحصر برای تعیین پدر است، ولی مادر به وسیله ژنتیک تعیین نمی‌شود. در توجیه این نظر استدلال شده که تخمک بارور شده در ظرف مخصوص کشت تا زمانی که به رحم منتقل نشود، قابلیت زیست‌پذیری را کسب نمیکند و هنوز موجود انسانی نیست، بلکه پس از انتقال به رحم می‌توان آن را یک موجود انسانی تلقی کرد. در این هنگام است که حقوق منسوب به والدین ایجاد می‌شود، بنابراین زن صاحب رحم مادر قانونی خواهد بود. اما با دقت نظر در این خصوص ملاحظه می‌شود که از نظر زیست‌شناسی، کودک رابطه‌خونی با صاحبان اسپرم و تخمک دارد و فرزند طبیعی آنها می‌باشد و همین رابطه‌خونی باعث ایجاد قرابت نسبی می‌گردد و ملاک اصلی الحاق نسب به والدینش، پیدایش او از نطفه ایشان است و قانونگذار هم خصوصیت خاصی نظیر نزدیکی را برای الحاق فرزند لازم ندانسته است. به علاوه سلول تشکیل‌دهنده از ترکیب اسپرم و تخمک برای مدتی که دوران جنینی نام دارد، در رحم به زندگی خود ادامه می‌دهد و این دوران موقت باعث نمی‌شود که اصل ایجاد طفل از بین برود و یا طفل جزئی از وجود زن صاحب رحم محسوب شود. بنابراین دلیل ارایه شده قابل‌مناقشه می‌باشد.

ب- کودک دارای دو مادر قانونی است:

مطابق نظر این گروه هم صاحب تخمک و هم صاحب رحم هر دو مادر مشروع تلقی می‌شوند. این گروه مبنای انتساب کودک به زن را عرف می‌دانند و بر این عقیده اند که

عرف به روشنی هر دو زن را مادر طفل می شناسد و مانعی ندارد که کودکی صاحب دو مادر باشد، زیرا رابطه پدری و مادری نیز دو رابطه هستند که در یک زمان باهم وجود دارند. بدین ترتیب، طفل در یک زمان می تواند دارای دو رابطه مادری باشد که چون هر دو رابطه، اعتباری است از لحاظ حقوقی وجود هر دو در یک زمان اشکالی ندارد.

ج: مادر حکمی (ژنتیکی) مادر قانونی طفل است: (خامنه ای، ۱۳۷۹، ص ۶۸؛ صناعی، ۱۳۹۱، ص ۶۹۰)، بنابر نظر این گروه ملاک مادر بودن در این نظر مانند ملاک پدر بودن است، عرف زنی را که در نخستین مرحله آفرینش و ایجاد و پیدایش جنین سهم دارد، به عنوان مادر تلقی میکند و آن زن جز صاحب تخمک کس دیگری نیست، زیرا تخمک وی در نخستین مرحله وجود کودک دخالت داشته و نطفه جنین از ترکیب تخمک وی و اسپرم به وجود آمده است. پس از این مرحله، تغذیه، پرورش و رشد جسمانی و روحی جنین هیچ نقشی جز استمرار بقا و رشد وی ندارد؛ و شرع نیز این دیدگاه را تأیید کرده است. همچنان که با مراجعه به آیات قرآن (نجم ۴۵-۴۶، مؤمنون ۱۲-۱۴، طارق ۵-۷، فرقان ۵۴) مشاهده می کنیم که در همه آنها، آفریدن انسان به نطفه نسبت داده شده و بلکه تصریح شده است که نطفه از اسپرم است، آن هنگام که در رحم ریخته شود، شاید تقیید به زمان برای سلامت اجزای موجود در اسپرم و شایستگی آنها برای انسان شدن در یک زمان معین است نه آنکه انسان به گونه مطلق از اسپرم آفریده شده باشد. این خود به این حقیقت اثبات شده علمی اشاره دارد که حیات این اجزاء، تنها در یک دوره زمانی محدود ممکن است.

ارث در اصطلاح حقوقی: انتقال قهری دارائی متوفی به ورثه ی او

موجب ارث عبارت است از: رابطه ی بین دو نفر که در اثر فوت یکی، دیگری از او قهراً ارث می برد. رابطه ی مزبور قرابت خویشاوندی است. در ماده ی ۸۶۷ ق.م.تصریح شده: ارث به موت حقیقی یا به موت فرضی مورث تحقق پیدا می کند. و ماده ی ۸۶۱ ق.م.تصریح می کند: موجب ارث دو امر است: نسب و سبب.

رابطه کودک با صاحب رحم

از دیدگاه نظری، با توجه به سیر تکاملی جنین، صاحب رحم با نوزاد خود بیگانه نیست، زیرا وی ماه ها جنین را در درون خود نگه داشته تا او رشد و نمو یابد و از خون این زن تغذیه کرده است. بنابراین نمی توان از این وابستگی بین آنها چشم پوشید. بعضی بر این عقیده اند که صاحب رحم را باید در حکم مادر رضاعی تلقی کرد و منحصراً از جهت حرمت نکاح او را مادر طفل قلمداد کرد. (امامی، ۱۳۹۲: ۴۴۱-۴۳۹)

آیت... مکارم شیرازی نیز بر این عقیده است که این فرزند متعلق به صاحبان نطفه و با آنها محرم است و از آنها ارث می برد و در مورد مادر جانشین به منزله مادر رضاعی است،

بلکه از آن در بعضی جهات اولویت دارد، چراکه تمام گوشت و استخوان او از وی روییده است. بنابراین حرام است که بعداً با آن زن و فرزندان او ازدواج کند، اما ارث نمی برد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳: ۵۲۴)

اما طبق نظر قبله ای خوئی، صاحب رحم با کودک تولد یافته هیچ گونه ارتباطی ندارد، حتی اگر کودک را شیر دهد، زیرا زنی که کودک را شیر میدهد تحت شرایطی مادر رضاعی کودک محسوب می شود و در مفروض ما آن شرایط محقق نیست و کودک متولد شده از تکنیک رحم جایگزین هیچ گونه ارتباط نسبی و رضاعی با صاحب رحم ندارد. با توجه به این که در مسأله ارث باید بین ارث گذار و ارث برنده اتصال به واسطه ولادت برقرار باشد و این ارتباط فقط بین صاحب اسپرم و صاحب تخمک و فرزند متولد شده برقرار است، بنابراین توارث بین کودک و صاحب رحم در صورتی که تخمک از او نباشد، در هیچ حالتی برقرار نمی شود. (قبله ای خوئی، ۱۳۸۶: ۲۲۷ - ۲۳۴)

رابطه کودک با صاحب اسپرم:

در تکنیک رحم جایگزین میان کودک و صاحب اسپرم رابطه بیولوژیکی و طبیعی وجود دارد و با توجه به این که در ماده ۸۶۱ قانون مدنی موجبات ارث نسب و سبب معرفی شده است و به موجب ماده ۸۶۲ قانون مدنی اولین طبقه ای که بین آنان توارث برقرار است، پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد است، لذا کودک فرزند قانونی و مشروع صاحب اسپرم محسوب می شود و در نظام حقوقی اسلام و در فقه امامیه نیز اخبار مربوط به موضوع مسأله دلالت بر الحاق طفل به وی دارد. بنابراین با توجه به این که صاحب اسپرم، پدر کودک شناخته می شود ارث میان آنها برقرار خواهد بود. (روحانی، ۲۰۰۳: ۳۳۳؛ موسوی اردبیلی، ۱۳۹۰: ۴۰۷)

رابطه کودک با صاحب تخمک:

امام خمینی (ره) بیان می دارد: «اگر تخمک بارور شده زنی در رحم زن دیگری گذاشته شود و در آنجا رشد کند و فرزندی به دنیا آید، ملحق ساختن فرزند به زن اول وجهی دارد، گرچه نباید احتیاط ترک شود.» (خمینی، ۱۳۸۵: ۹۰۳/۹۰۰)

با عنایت به این که صاحب تخمک در وجود جنین، مشارکت بنیادی دارد و کودک (جنین تکامل یافته) اگر چه در رحم او پرورش نیافته است اما رابطه و قرابت خونی و ژنتیکی با آن صاحب تخمک دارد و رابطه مادر و فرزندی بین آنها برقرار است. با استناد به آیه ۵۴ سوره فرقان «خلق من الماء بشراً فجعله نسباً وصهراً» و آیه ۲ سوره دهر «انا خلقنا الإنسان من تطفو أمشاج» و آیه ۴۶ سوره نجم «من تطفو إذا می» و آیه ۱۴ سوره مؤمنون «ثم خلقنا الطفۃ علقه فخلقنا العلقه مضغه»، مادر دانستن صاحب تخمک دور از واقعیت نیست و همانطور که کودک را باید ملحق به صاحب اسپرم دانست، بی تردید باید به صاحب تخمک نیز منتسب کرد و نیز

با استناد ماده ۸۶۱ قانون مدنی بین صاحب تخمک و کودک قرابت نسبی وجود دارد و در ردیف اشخاصی که به موجب نسب ارث می برند، قرار می گیرد، لذا ارث بین صاحب تخمک و کودک متولد از رحم اجاره ای برقرار است. (موسوی سیستانی، ۱۳۸۰: ۴۵۹؛ مسجد سראپی، ۱۳۹۶: ۷۹-۵۹).

در ادامه لازم است به قوانین برخی کشورهای دیگر به ویژه در خصوص ممنوعیت رحم اجاره ای بپردازیم. ممنوعیت هایی که دلایلی فراتر از ارث دارند و چندان به نسب کودک توجهی نمی شود و البته این موضوع ریشه در فرهنگ ایرانی اسلامی دارد زیرا قوانین کشورهای اسلامی با توجه به فقه و واردات اسلامی تدوین می شود و در نتیجه به موارد پزشکی گاهگاهی بی اعتنایی هایی دیده می شود. این موضوع مسلم است که کودک متولد شده همان گونه که منسوب به پدر صاحب اسپرم است، منسوب به مادر صاحب تخمک خواهد بود و این امر چندان اذهان مردم دیگر کشورها را درگیر نکرده است.

نکته های مهم پیرامون رحم اجاره در سایر کشورهای اروپایی به بحث های رعایت حقوق زنان، فمینیسم و بهره کشی از زنان باز می گردد که در این بخش تلاش داریم به آن ها بپردازیم:

بخش دوم: سایر کشورها:

کشورهایی که رحم جایگزین را به صراحت ممنوع اعلام کرده اند، بر دو دسته اند: دسته نخست صرفاً قرارداد رحم جایگزین را باطل اعلام نموده اند بدون پیش بینی مجازات کیفری برای این عمل و دسته دوم علاوه بر بطلان، مجازات و ضمانت اجرای کیفری نیز برای افراد درگیر در این عمل پیش بینی کرده اند. این گونه اخیر قانونگذاری خود بر دو قسم است:

- تنها کادر پزشکی که اقدام به این عمل نمایند مشمول مجازات کیفری شده و مادر حامل و زوج متقاضی مجازات کیفری ندارند: آلمان (۷).

- مجازات کیفری طرفین قرارداد (مادر حامل و زوج یا فرد متقاضی رحم جایگزین) و واسطه ها را نیز شامل می شود. فرانسه، ایتالیا (۸) و ترکیه (۹).

عدم برخورداری از متن قانونی خاص در این خصوص این کشورها نیز بر چند دسته اند:

- وجود دستورالعمل های کلینیک های درمانی و انجمن های حرفه ای، هلند؛
- وجود تصویب نامدهای دولتی / وزارتی برای رحم جایگزین: ژاپن (برای ممنوعیت رحم جایگزین)؛

• به رسمیت شناختن یا ممنوعیت قراردادهای رحم جایگزین از طریق رویه قضایی؛ ایران (برای تجویز عمل).

دستیابی به باروری از طریق رحم جایگزین در حقوق فرانسه:

عمل رحم جایگزین در سال های ۱۹۸۰ در فرانسه بسیار رواج یافته بود و در سکوت

قانونی، مراکز و مؤسسات مختلفی برای انجام این عمل و تسهیل ارتباط مادر حامل و زوج های متقاضی ایجاد شدند. در برابر رواج این عمل، نخست رویه قضایی این اعمال را ممنوع اعلام کرد و قرارداد رحم جایگزین را باطل اعلام نمود (۱۰). در ادامه قانون اخلاق زیستی ۱۹۹۴ با افزودن ماده ۷-۱۶ به قانون مدنی رویه قضایی موجود را تأیید نمود. به موجب این ماده «هرگونه قراردادی که در خصوص تولید مثل یا بارداری برای دیگری منعقد گردد، باطل است.» ممنوعیت این ماده همه قراردادهای رحم جایگزین چه در قالب عقد بلاعوض و چه معاوضی را شامل می شود (۱۱) همچنین این عمل در حقوق فرانسه برای طرفین قرارداد، واسطه ها و شریکانشان مجازات کیفری در پی دارد. برابر بند نخست ماده ۱۲-۲۲۷ قانون جزای فرانسه: «عمل تحریک والدین یا یکی از ایشان به رها کردن کودک متولد شده یا اجنبی در رحم چه به صورت انتفاعی، چه از طریق هبه، وعده، تهدید یا سوء استفاده از جایگاه و اختیارات، مجازات ۶ ماه حبس و ۷۵۰۰ یورو جریمه نقدی را در پی دارد.» به موجب بند سوم همین ماده، عمل میانجی گری میان یک فرد یا زوج مایل به دریافت فرزند و زنی که پذیرفته است فرزند را در رحم خود پرورش دهد و پس از ولادت به ایشان تحویل نماید، به مجازات یک سال حبس و جریمه نقدی ۱۵۰۰۰ یورو محکوم است، چنانچه این اعمال به طور معمول و تکرار شونده یا به طور انتفاعی صورت گیرد، مجازاتها دو برابر می شود.

به علاوه، چنانچه به نادرست فردی غیر از زنی که طفل را زاییده است، در گواهی ولادت قید گردد، اعلام خلاف واقع زایمان محسوب شده و برای مادر حامل واقعی و زنی که تظاهر به زایمان نموده مجازات کیفری در پی خواهد داشت. (ماده ۱۳-۲۲۷ قانون جزا) (۱۲) نسب کودک متولد از رحم جایگزین در حقوق فرانسه: در اینجا لازم است میان کودک متولد از رحم جایگزین در داخل فرانسه و کودک متولد در خارج فرانسه تفکیک قائل شویم. در ادامه، احکام هر یک به طور جداگانه بررسی می شود.

برقراری نسب کودک متولد از رحم جایگزین در فرانسه:

با توجه به ممنوعیت قرارداد رحم جایگزین در حقوق فرانسه و بطلان چنین قراردادهایی، هیچ گونه قوانین ویژه ای در خصوص آثار این عمل بر نسب طفل متولد از آن در حقوق فرانسه وجود ندارد. از این رو، قواعد عمومی نسب در این زمینه لازم الاجراست.

در خصوص نسب مادری، حقوق فرانسه پیرو اصل سنتی و قدیمی حقوق روم مبنی بر مادر همواره معلوم (مسلم) است (۱۳) می باشد. برابر این اصل، نسب مادری از آن زنی است که طفل را زاییده است و این اصل در کلیه روشهای باروری طبیعی و مصنوعی اصل اساسی در برقراری نسب مادری محسوب می گردد. به این ترتیب، نسب مادری مادر حامل با قیدشدن نام وی در گواهی ولادت برقرار می گردد (ماده ۲۵-۳۱۱ ق.م.ف) (۱۴). گفتنی است که در

حقوق فرانسه این امکان برای مادر وجود دارد تا در زمان زایمان درخواست دهد هویتش ناشناس باقی بماند. در این صورت، نام وی در گواهی ولادت قید نمی‌شود و نسب مادری برقرار نمی‌گردد (ماده ۳۲۶ ق.م.ف) به این ترتیب، زوجه متقاضی رحم جایگزین از هرگونه جایگاه مادری و نسب قانونی بی‌نصیب خواهد بود، حتی اگر نطفه طفل با استفاده از تخمک وی منعقد شده باشد (۱۵). وی به هیچ طریق نمی‌تواند برای برقراری نسب طفل به سود خود اقدام نماید، نه از طریق اقرار به نسب، نه از طریق داشتن وضعیت والد (تصرف وضع مدنی والد) (Possession d' état) و نه از طریق فرزندخواندگی. نسب برقرار شده از طریق اقرار به نسب می‌تواند به دلیل تقلب در قانون مورد اعتراض دادستان قرار گیرد. برقراری نسب مادری از طریق تصرف وضع مدنی نیز به دلیل کیفیت باروری غیر ممکن است. (ماده ۳۱۱-۲ ق.م.ف) (۱۶)

در خصوص نسب پدری کودک، چنانچه نسب مادری مادر حامل برقرار گردد و وی در عقد ازدواج مرد دیگری باشد، نسب پدری نسبت به او برابر اماره پدر بودن برقرار می‌گردد. با این همه، این نسب پدری قابل اعتراض است و با اثبات این که وی پدر بیولوژیک طفل نیست می‌توان دعوی نفی نسب اقامه کرده و نسب را باطل نمود (ماده ۳۳۲ ق.م.ف). ماده ۱۱-۱۶ قانون مدنی فرانسه، نتیجه آزمایش ژنتیک را در امور مدنی تنها جهت اثبات یا نفی نسب حجت و معتبر می‌داند.

در صورتی که نسب مادری مادر حامل برقرار نگردد یا وی در ازدواج مردی نباشد، نسب پدری مرد متقاضی رحم جایگزین از طریق اقرار، تصرف وضع مدنی والد یا از طریق طرح دعوی اثبات نسب قابل برقراری است، اما این نسب از آنجا که طفل متولد از قرارداد رحم جایگزین است، صرفاً به دلیل تقلب در قانون توسط دادستان قابل اعتراض می‌باشد و دادستان برای این منظور، نیازی به اثبات این امر که مرد نام برده پدر بیولوژیک طفل نیست، ندارد (۱۷). به این ترتیب، نسب پدری مرد متقاضی رحم جایگزین در فرانسه قابل برقراری توسط مراجع فرانسوی نیست.

با توجه به ممنوعیت و سخت‌گیری‌های موجود در حقوق فرانسه در این خصوص، زوجهای فرانسوی به کشورهای دیگر که در آنها قرارداد رحم اجاره ای قانونی است، سفر کرده و گردشگری باروری در این خصوص بسیار رواج یافته است. اما ایشان در بازگشت به فرانسه نیز با مشکلات بسیاری در خصوص نسب طفل متولد از این راه رو به رو هستند.

رونویسی گواهی ولادت صادره در خارج فرانسه در دفاتر ثبت احوال فرانسوی در مورد کودک متولد از رحم جایگزین در خارج فرانسه، رویه قضایی (دیوان عالی) فرانسه از رونویسی اسناد هویتی (احوال مدنی) تنظیمی در خارج فرانسه در دفاتر ثبت احوال فرانسوی نخست به دلیل مخالفت با نظم عمومی (۱۸) و سپس بر پایه تقلب در قانون خودداری می‌

نمود (۱۹). این موضع تند دیوان عالی فرانسه، موجب شد دادگاه اروپایی حقوق بشر فرانسه را در دو رأی مورخ ۲۶ ژوئن ۲۰۱۴ (۲۰) محکوم نموده و این موضع را مخالف منافع و مصلحت کودک تشخیص دهد. در پی محکومیت فرانسه توسط دادگاه اروپایی، رویه قضایی فرانسه تغییر کرد و در آرای که دیوان عالی در ادامه صادر نمود، رونویسی نسب پدری مرد متقاضی رحم جایگزین که پدر بیولوژیک طفل باشد، مورد پذیرش قرار گرفت (۲۱). این تغییر رویه، اما تنها شامل نسب پدری است و نسب مادری مادر حکمی را شامل نمی‌گردد (۲۲). با این حال، به تازگی رویه قضایی فرانسه برقراری نسب مادری طفل نسبت به مادر حکمی را از طریق فرزندخواندگی ساده یا کامل مشروط به آنکه به مصلحت طفل بوده و شرایط قانونی مقرر در ماده ۱-۳۴۵ ق.م. ف. احراز گردد، تجویز نموده است. این تغییر رویه قضایی در پی محکومیت فرانسه از سوی دادگاه اروپایی حقوق بشر و توسط آرای صادره از دیوان عالی فرانسه در تاریخ ۵ ژوئیه ۲۰۱۷ صورت گرفت.

شرایط دستیابی به باروری از طریق رحم جایگزین در حقوق انگلیس:

شرایط و آثار باروری از طریق رحم جایگزین در حقوق انگلیس توسط قوانین متعددی پیش بینی شده است: نخست قانون رحم جایگزین سال ۱۹۸۵ (Surrogacy Act) در این خصوص تصویب شد که در تمام کشور بریتانیا لازم الاجرا است. این مقررات توسط قوانین بعدی چون قانون کودکان (Children Act) ۱۹۸۹ و نیز قانون باروری و جنین شناسی انسانی ۱۹۹۰ و ۲۰۰۸ اصلاح و تکمیل شدند.

برابر قوانین یادشده، انجام عمل رحم جایگزین در هر شکل آن، با تخمک مادر حامل یا غیر او، آزاد است و هیچ مجازات کیفری برای طرفین در پی ندارد. در حقوق انگلیس هیچ گونه نظارت پیشینی بر قراردادهای رحم جایگزین وجود ندارد و طرفین کاملاً در تنظیم قرارداد و شروط آن آزادند. با این حال، دستیابی آزاد به عمل رحم جایگزین به معنی لازم الاجرا بودن قرارداد رحم اجاره ای و برقراری خود به خود نسب فرزند نسبت به زوج متقاضی نیست، بلکه برابر قانون، به منظور انتقال نسب به زوج متقاضی پس از ولادت کودک نیاز به مداخله و حکم دادگاه می‌باشد.

مراکز درمانی پیش از انجام عمل انتقال اسپرم یا جنین به مادر جایگزین، وجود شرایطی را در وی از نظر سلامت جسمی و روانی بررسی و احراز می‌کنند، از جمله آنکه وی نباید بیش از ۳۵ سال سن داشته باشد و لازم است سابقه یک زایمان موفق داشته باشد. همچنین مراکز درمانی ملزم به اطلاع رسانی کافی و کامل به طرفین توافق در خصوص آثار حقوقی عمل و تأثیر آن بر کودک متولد از آن یا فرزندان دیگر موجود در خانواده هستند (۲۷). همچنانکه گفته شد، انعقاد قرارداد رحم جایگزین در حقوق انگلیس جایز است، اما این

قرارداد لازم الاجرا نیست. برابر ماده ۱ الف قانون ۱۹۹۰، «قرارداد رحم جایگزین له یا علیه هیچ یک از طرفین قرارداد لازم الاجرا نیست.» به این ترتیب، اگر مادر جایگزین تصمیم خود را تغییر داده و بخواهد طفل را پس از ولادت نزد خود نگه دارد و از تحویل او به زوج متقاضی سرباز زند یا اگر زوج متقاضی از پرداخت مبلغ مورد توافق پس از انجام مفاد قرارداد سرباز زند، برای هیچ یک از طرفین امکان پیگرد قضایی دیگری وجود نخواهد داشت. با این حال، اکثر قراردادهای رحم جایگزین در عمل بدون مشکل پیش رفته و طرفین به تعهدات خود برابر قرارداد عمل می کنند.

به این ترتیب، قانونگذار بریتانیا راهی میانه را در این رابطه برگزیده است: نه کاملاً عمل رحم جایگزین را ممنوع اعلام کرده و نه دستیابی به آن را تسهیل و به کلی آزاد اعلام نموده است، زیرا ممنوع کردن کامل آن باعث پیدایش قراردادهای پنهانی و خارج از چارچوب قانون و یا سفر اتباع انگلیس به خارج از کشور می شود که خود موجب به خطر انداختن طرفین قرارداد می گردد. به رسمیت شناختن کامل آن هم باعث تشویق مردم به این عمل می شود، عملی که تردید و پرسش های اخلاقی فراوانی در مورد آن وجود دارد، اما از مهم ترین انتقادات وارد بر این نوع قانونگذاری، نبود امنیت حقوقی برای طرفین قرارداد به ویژه زوج متقاضی، امکان سوء استفاده از این ابهام قانونی برای هر دوی طرفین و در نتیجه، تحمیل آسیب های بسیار به کودک می تواند باشد.

ممنوعیت تبلیغ:

ماده ۲ قانون ۱۹۸۵ مقرر می داشت که فعالیت تجاری در حوزه رحم جایگزین جهت اقدام به آن یا مذاکره در خصوص تنظیم قرارداد ممنوع است. برابر ماده ۳ این قانون، تبلیغ یا انتشار تجاری تبلیغات مجازات کیفری دارد. ممنوعیت فعالیت تجاری در حوزه رحم جایگزین در عمل موجب کاهش و محدودسازی دسترسی به مشاوره حرفه ای مناسب و کافی به ویژه توصیه های حقوقی شد. بی اطلاعی طرفین قرارداد از آثار و نتایج حقوقی این روش درمانی موجب شد برخی افراد قراردادهای پیچیده و نامناسبی را منعقد نمایند که مشکلات حقوقی بسیاری در پی داشت. از این رو قانون ۱۹۸۵ در این خصوص توسط قانون ۲۰۰۸ اصلاح گردید و از آن پس نهادها و مراکز غیر انتفاعی اجازه فعالیت را در این حوزه با دریافت مبالغ معمول و منطقی برای جبران هزینه های مربوطه یافتند (۲۸)

نسب کودک متولد از رحم جایگزین در حقوق انگلیس:

در حقوق انگلیس قرارداد رحم جایگزین لازم الاجرا نیست، بلکه نسب طفل مشمول قواعد مقرر در قانون ۲۰۰۸ می باشد که بر اساس مورد و نحوه تلقیح و باروری می تواند متفاوت باشد. در ادامه نخست به تشریح قواعد ابتدایی واگذاری نسب به محض تولد کودک می پردازیم، سپس قواعد انتقال پسینی نسب بررسی می گردد.

والدین قانونی کودک به محض تولد:

قانون رحم جایگزین ۱۹۸۵ صرف قراردادهای رحم جایگزین را فاقد اعتبار اعلام نموده و در خصوص نسب طفل متولد هیچ مقررات خاصی پیش بینی نکرده است. این امر مهم در قوانین بعدی، یعنی قانون باروری و جنین شناسی انسانی سال ۱۹۹۰ و ۲۰۰۸ پیش بینی گردید. قانونگذار انگلیس در این قوانین سعی نمود راه میانه ای در این خصوص برگزیند تا ضمن حمایت از مادر جایگزین و کودک متولد، چارچوبی جهت تأمین جایگاه والدینی زوج متقاضی نیز در شرایطی که طرفین به تعهدات نخستین خود پایبند بمانند، فراهم آورد (۲۹)

برابر قاعده اولیه، مادر قانونی زنی است که کودک را زاییده است (ماده ۳۳ قانون ۲۰۰۸ م.). این اصلی کلی است که در همه موارد باروری مصنوعی جاری است خواه وی مادر ژنتیکی باشد یا خیر، خواه کودک در انگلیس متولد گردد یا خارج از آن (۳۰). در خصوص نسب پدری، اگر زن حامل متأهل بوده و همسرش به عمل باروری مصنوعی رضایت داده باشد، شوهر وی به موجب قاعده فرآش پدر قانونی کودک محسوب می گردد، هرچند که پدر ژنتیک طفل نباشد (ماده ۳۵ قانون ۲۰۰۸ م.)، چنانچه مادر حامل متأهل نبوده یا این که اثبات گردد که شوهر وی به این عمل رضایت نداده است، مرد متقاضی رحم جایگزین می تواند برابر قواعد کامن لائو و به موجب حکم دادگاه پدر قانونی محسوب گردد، مشروط به آنکه نطفه کودک با اسپرم وی منعقد شده باشد. (۳۱)

اگر در باروری از اسپرم دهنده ثالث استفاده شده باشد، مرد متقاضی درمان می تواند از طریق قواعد مربوط به ابوت توافقی (Agreed Fatherhood) اقدام به برقراری نسب پدری نماید (ماده ۳۶ و ۳۷ قانون ۲۰۰۸ م.). ابوت توافقی یکی از طرق برقراری نسب پدری در باروری های مصنوعی است که در آن مردی که هیچ پیوند زناشویی با مادر (حامل) طفل و هیچ رابطه بیولوژیک با خود طفل ندارد از پیش با مادر (حامل) توافق می کند که به عنوان پدر کودک ایفای نقش نموده و در سند ثبت احوال نام وی به این منظور ثبت گردد. این قواعد از جمله لیبرال ترین قواعد نسب در حقوق انگلیس و دنیا بوده و جایگاه اساسی و ویژه اراده و خواست افراد در برقراری نسب برخلاف واقعیت بیولوژیک را در این نظام حقوقی نشان می دهد، اما زن متقاضی درمان هرگز نمی تواند نسب مادری را به محض تولد طفل نسبت به خود برقرار نماید. از این رو زن متقاضی (مادر حکمی) از کمترین حمایت و جایگاه والدینی برخوردار است.

انتقال پسینی نسب یا حقوق والدینی به زوج متقاضی رحم جایگزین:

با توجه به آنچه گذشت، زوج متقاضی و به ویژه زن متقاضی رحم جایگزین همواره قادر به برقراری نسب به سود خود به محض تولد کودک نخواهد بود. با این حال، قانون احکامی را

جهت انتقال پسینی نسب به ایشان پیش بینی نموده است که مهم ترین آن حکم والدینی ('Parental Order') و فرزندخواندگی (Adoption) است، در غیر این دو صورت، زوج متقاضی می‌تواند درخواست انتقال برخی اختیارات و حقوق والدینی بدون برقراری نسب را از دادگاه نمایند. آخرین راه حل برای ایشان، انتقال غیر رسمی این اختیارات به آنان است. در ادامه به بررسی دو روش انتقال نسب از طریق حکم والدینی و فرزندخواندگی می‌پردازیم.

حکم والدینی:

حکم (رای والدینی مکانیسم حقوقی - قضایی است که اجازه می‌دهد نسب طفل از مادر حامل، و همسر وی چنانچه متأهل باشد، به زوج متقاضی رحم جایگزین منتقل گردد، مشروط به آنکه شرایط مقرر در قانون توسط دادگاه احراز گردد. این امکان توسط قانون ۱۹۹۰ پیش بینی گردید و در قانون ۲۰۰۸ تغییراتی در شرایط دستیابی به آن ایجاد شد. حکم والدینی اثری مشابه حکم فرزندخواندگی دارد و کودک از همه جهات در حکم فرزند قانونی زوج متقاضی محسوب خواهد شد. این روش بهترین راه برای برقراری نسب به زوج متقاضی رحم جایگزین می‌باشد. ماده ۵۴ قانون ۲۰۰۸ شرایط اعطای این حکم توسط دادگاه را برمی‌شمرد:

- درخواست باید توسط یک زوج (و نه افراد مجرد) مشترکا تقدیم دادگاه گردد - دست کم یکی از زوجین باید والد ژنتیک کودک باشد - هر دوی زوجین ۱۸ سال یا بیشتر داشته باشند.

درخواست باید در فاصله زمانی شش هفته تا شش ماه پس از ولادت کودک تقدیم دادگاه گردد (نه زودتر از ۶ هفته و نه دیرتر از ۶ ماه)

- مادر حامل و هر کس دیگری که نسب طفل نسبت به او برقرار شده، باید به انتقال نسب رضایت دهد. این رضایت باید آزاد، آگاهانه و مطلق باشد. رضایتی که پیش از هفته ۶ پس از تولد داده شده باشد، باطل است، چراکه زن در آن مدت از نظر جسمی و روحی آسیب پذیر محسوب می‌گردد.

- هیچ پولی یا منفعتی نباید میان طرفین رد و بدل شده باشد، مگر آنچه برای جبران هزینه‌های معقول باروری مقرر گشته باشد.

دادگاه همچنین باید در صدور حکم والدینی مصلحت طفل را در نظر گیرد و لیست ملاک‌های بررسی منفعت طفل همان است که برای حکم فرزندخواندگی لحاظ می‌شود (۳۲)

مادر حامل می‌تواند از دادن رضایت به این حکم خودداری نموده و مانع انتقال نسب به زوج متقاضی گردد. در این صورت، دادگاه به هیچ عنوان نمی‌تواند بدون رضایت وی حکم را صادر نماید، اما در عمل موارد رحم جایگزین بدون هیچ مشکل خاصی منتهی به صدور حکم والدینی می‌گردد. در موارد کمی که مادر حامل رضایت به حکم نمی‌دهد، زوج متقاضی می‌تواند از دادگاه درخواست انتقال حضانت کودک یا برخی حقوق والدینی نسبت

به خود را دهند. در این موارد، قضات با توجه به شرایط انعقاد قرارداد رحم جایگزین، مصلحت کودک و موضع خاص ایشان نسبت به این روش باروری مصنوعی تصمیم گیری می نمایند (۲۹)

فرزندخواندگی:

اگر امکان صدور حکم والدینی به سود زوج متقاضی نباشد، درخواست فرزندخواندگی می تواند راه حل دیگری جهت برقراری نسب کودک به سود ایشان به شمار رود. فرزندخواندگی به ویژه در موارد زیر می تواند مورد استفاده قرار گیرد: ۱- اگر مادر جایگزین با حکم والدینی مخالفت نماید و تصمیم به نگهداری از طفل نماید؛ ۲- برای افراد مجرد که متقاضی رحم جایگزین هستند؛ ۳- زمانی که هیچ یک از مادر حامل و زوج متقاضی قادر یا مایل به نگهداری از طفل نباشند. در مورد نخست، برابر قانون رضایت والدین قانونی طفل (در اینجا مادر حامل) جهت صدور حکم فرزندخواندگی ضروری است، اما در برخی موارد استثنایی و چنانچه مصلحت طفل اقتضا نماید، دادگاه می تواند بدون رضایت والدین، فرزندخواندگی را صادر نماید (ماده (۱) ۵۲ قانون ۲۰۰۲ م.).

قرارداد رحم جایگزین: جایز و لازم الاجرا در حقوق یونان

یونان یکی دیگر از معدود کشورهای اروپایی است که رحم جایگزین را قانوناً مجاز ساخته است. گفتنی است قوانین یونان در این زمینه بسیار نزدیک به قوانین موجود در کشور آفریقای جنوبی است. تنها فرق عمده این دو کشور آن است که در یونان رحم جایگزین با تخمک مادر حامل ممنوع است، ولی در آفریقای جنوبی مجاز (۳۳). در حقوق یونان، برخلاف حقوق انگلیس، از الگوی نظارت قضایی پیشینی پیروی شده است (۳۴). قانونگذاری در زمینه باروری های مصنوعی در حقوق یونان عمدتاً از طریق دو قانون مصوب در سال های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۵ صورت گرفته است (۳۵).

در ادامه به بررسی شرایط دستیابی به باروری با رحم جایگزین و آثار آن می پردازیم.

شرایط دستیابی به باروری از طریق رحم جایگزین در حقوق یونان:

به موجب ماده ۱۴۵۸ قانون مدنی یونان، «انتقال رویان غیر به بدن زن دیگر و بارداری توسط او، برابر اجازه دادگاه صادره پیش از انتقال رویان در صورتی امکان پذیر است که توافق مکتوب و بلاعوض میان زوج متقاضی فرزند و زن حامل و نیز همسرش، اگر ازدواج کرده باشد، منعقد شده باشد. مجوز قضایی به تقاضای زنی که تمایل به داشتن فرزند دارد صادر می گردد، مشروط به آنکه اثبات نماید که بارداری از نظر پزشکی برای وی ممکن نیست و این که زن داوطلب برای بارداری از نظر وضع سلامت مناسب برای این امر است و به این ترتیب، انجام رحم جایگزین از طریق اجازه دادگاه صورت گرفته و مشروط به سه شرط اصلی است:

عدم وجود رابطه ژنتیک میان فرزند و زن حامل، اصل رایگان (غیر معاوضی) بودن عمل، ضرورت انجام آن به دلیل مشکلات پزشکی (نه به دلایل اجتماعی و غیر پزشکی). دادگاه در بررسی های خود تنها شرایط مذکور را مورد توجه قرار داده و صلاحیت زوج متقاضی از نظر شرایط اجتماعی و اخلاقی و مصلحت طفل مورد بررسی قرار نمی گیرد. از این رو درخواست باروری با رحم جایگزین با روند فرزندخواندگی از این جهت متفاوت است. در خصوص اصل رایگان بودن، ماده ۵ قانون ۲۰۰۷ / ۳۳۰۵ راجع به اجرای باروری با کمک پزشکی اجازه میدهد مبلغی به عنوان جبران خسارت و هزینه های بارداری به زن حامل پرداخت گردد. این مبلغ توسط اداره باروری مصنوعی یونان تعیین می گردد. با این حال، هر گونه شرطی مندرج در قرارداد رحم جایگزین که مبنی بر تعیین خودسرانه مبلغ این خسارت بوده یا خلاف اخلاق حسنه باشد، باطل است و نمی تواند در دادگاه ها اجرایی گردد. ماده ۲ دستور وزارتی ش. ۶۷۰ مورخ ۱۶/۰۴/۲۰۰۸ مقرر می دارد: «زن حامل برای تمامی هزینه های لازم برای به پایان رساندن بارداری و زایمان مشروط به آنکه تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی وی نباشد، مبلغ خسارت دریافت خواهد نمود.» همچنین ماده ۴ این دستور وزارتی مقرر داشته: «زن حامل برای غیبت از کار در مدت بارداری و پس از زایمان می تواند مطالبه خسارت نماید. [..] در هیچ صورتی، مبلغ خسارت نمی تواند از ۱۰۰۰۰ یورو فراتر رود. پرداخت خسارت تنها منوط به انجام عمل رحم جایگزین در پی اجازه دادگاه می باشد.» (۳۴)

همچنین قانونگذار جهت پیشگیری از بهره کشی از زنان یونانی و ظهور گردشگری باروری در این کشور، انجام عمل رحم جایگزین را تنها زمانی مجاز میداند که مادر متقاضی رحم جایگزین و زن حامل مقیم یونان باشند (ماده ۸ قانون راجع به باروری با کمک پزشکی) (۳۴)

نسب کودک متولد از رحم جایگزین در حقوق یونان:

به موجب ماده ۱۴۶۴ ق.م.، مادر حکمی (زن متقاضی درمان با رحم جایگزین) به استناد مجوز دادگاه مادر قانونی طفل محسوب می شود، مگر آنکه اثبات گردد که مادر حامل، مادر ژنتیک طفل نیز می باشد که در آن صورت، نسب مادری نسبت به مادر حامل ثابت است. نسب پدری نیز تابع قواعد عمومی نسب است. اگر زوج ازدواج کرده باشند، شوهر زن، برابر اماره فراش پدر قانونی محسوب می گردد. در مورد زوجین غیر مزدوج، باید زن و مرد از قبل رضایت کتبی به درمان ناباروری از طریق رحم جایگزین بدهند. به این ترتیب، این رضایت در حکم اقرار پیشینی به نسب بوده و پس از ولادت، نسب الزاماً نسبت به ایشان برقرار می گردد. به این ترتیب، کودک به ایشان ملحق می گردد و نیاز به حکم دیگری از دادگاه نیست. نسبی که این گونه برقرار گردد، قابل اعتراض نیست، مگر آنکه ثابت شود فرزند از تخمک مادر حامل به وجود آمده است. در این صورت، دعوای اعتراض به نسب می تواند

ظرف ۶ ماه از تولد کودک توسط مادر حامل یا زن متقاضی رحم جایگزین اقامه گردد (ماده ۱۴۶۴ ق.م) (۳۴).

جمع بندی و نتیجه گیری

۱- در حقوق ایران، درباره ی نسب پدری طفل متولد از رحم جایگزین، اکثر قریب به اتفاق فقها و حقوق دانان طفل را ملحق به صاحب نطفه می دانند؛ زیرا تنها راه تحقق نسب، وجود رابطه ی خونی و ژنتیکی بین صاحب اسپرم و طفل بوده و از نظر عرفی نیز تکون یک انسان از اسپرم پدر و تخمک مادر، منشاء اعتبار رابطه ی نسبی است. بنابراین، صاحبان تخمک و اسپرم والدین حقیقی طفل حاصل از رحم استیجاری هستند و کودک از جهت ژنتیکی منتسب به صاحب اسپرم و صاحب تخمک است و همانند اقارب نسبی، بین آنها رابطه ی توارث و سایر احکام حقوقی برقرار می باشد.

۲- درباره ی نسب مادری نظریات مختلفی ارائه شده است که برخی مایل به پذیرش صاحب تخمک به عنوان مادر طفل و برخی دیگر، مایل به پذیرش بانوی صاحب رحم و برخی دیگر، طرفدار دیدگاه دو مادری هستند. اما از آنجایی که منشأ پیدایش سلول سازنده ی جنین از ناحیه ی مادر، تخمک زن است و رحم زن، نقشی نخستین در پیدایش جنین ندارد، به نظر می رسد با توجه به این که نسب، از مفاهیم عرفی بوده و عرف طفل را به صاحبان نطفه (صاحب تخمک و اسپرم) منتسب می داند و نیز به منظور رعایت مصلحت و سعادت کودک، پذیرش مادر بودن صاحب تخمک، معقول تر است.

باتوجه به معین شدن نسب طفل حاصله بر مبنای نظرات گوناگون، تکلیف مسائل کودک از جمله توارث که مترتب بر مسأله ی نسب می باشد حل می شود.

در میان سایر نتایج می توان به این نکات اشاره داشت:

- در اینکه طفل متولد از رحم جایگزین با هر یک از دو زن صاحب تخمک و زنی که وی را حمل و زایمان کرده است، ارتباط تکوینی و واقعی دارد در این تردیدی نیست. ارتباطی که از نظر عقلی و پزشکی ثابت شده می نماید. لکن از بین این دو ارتباط، ارتباط طفل با صاحب تخمک ملاک رابطه مادری و فرزندگی و در نتیجه ارث است. بنابراین انتساب فرزند حاصل از رحم جایگزین، به صاحب اسپرم و صاحب تخمک درست است.

در موضوع نسب طفل، با استناد به قرآن کریم و سنت اسلامی به این نتیجه رسیدیم که صاحب تخمک، مادر محسوب می شود و زنی که جنین در رحم خود پرورش داده، حکم رضاعی بر او بار می شود و در نتیجه بین او و کودک محرمیت و حرمت نکاح به وجود می آید.

و هم چنین در مورد نسب پدری هم این نتیجه حاصل شد که شوهر زن صاحب تخمک و به عبارتی صاحب اسپرم پدر واقعی طفل محسوب می‌شود. از آنجا که ثابت کردیم که صاحبان تخمک و اسپرم والدین حقیقی هستند، بنابراین طبق ماده ۸۶۱ ق.م که مقرر می‌دارد اقارب نسبی از یکدیگر ارث می‌برند، کودک از جهت ژنتیکی منتسب به صاحب اسپرم و صاحب تخمک بوده، و بین آنها توارث برقرار است. در نهایت باید گفت:

اگر مادر حکمی (صاحب تخمک)، مادر قانونی کودک باشد، رابطه توارث بین او و کودک برقرار می‌شود؛ در اینجا فرقی نمی‌کند که اعتقاد به وجود رضاعی بودن قرابت صاحب رحم با کودک داشته یا نداشته باشیم چرا که قرابت مادر جایگزین از حیث تمام آثار نسب مانند خویشاوندی نسبی نیست و فقط از حیث ممنوعیت نکاح مؤثر است لذا در قرابت مادر جایگزین رابطه‌ی توارث وجود ندارد و اگر مادر جانشین مادر قانونی کودک باشد، در این حالت رابطه‌ی توارث از یک سو بین کودک و پدر حکمی و از طرف دیگر بین کودک و مادر جانشین برقرار می‌شود و دلیلی بر این که وجود نکاح صحیح بین پدر و مادر شرط وراثت در نسب باشد در دست نیست و تمام اولاد از پدر و مادر خود ارث می‌برند، بنابراین رابطه‌ی توارث به شرط مزبور در این حالت موجود می‌گردد و اگر مادر جانشین و مادر حکمی هر دو مادر قانونی کودک باشند؛ باید ببینیم در حقوق ایران می‌توان در آن واحد رابطه توارث را با دو مادر محقق دانست.

همچنان که گذشت، نظام های مختلف حقوقی دنیا رویکردهای گوناگونی در قبال باروری از طریق رحم جایگزین دارند. قانونگذار فرانسه با استناد به مشکلات اخلاقی موجود و حمایت از حقوق زنان و کودکان درگیر در این روش، ممنوعیت کامل رحم جایگزین و بطلان قراردادهای منعقد شده در این خصوص را برگزیده است. در انگلیس راهی میانه انتخاب شده است: قراردادهای رحم جایگزین برابر قانون جایز، اما فاقد اعتبارند و جهت انتقال نسب به والدین حکمی نیاز به مداخله قضایی پس از تولد کودک می‌باشد. قانونگذار یونان با انتخاب راه نظارت قضایی پیشینی بر قراردادهای رحم جایگزین، این قراردادها را تحت شرایط خاصی جایز و نیز لازم الاجرا دانسته است.

در ایران، تجویز قرارداد رحم جایگزین توسط فقها و حقوقدانان از یکسو و سکوت قانونگذار و نبود نظارت کافی و مناسب بر عملکرد مراکز درمانی از سوی دیگر موجب پیدایش رویه های گوناگون در نقاط مختلف ایران در خصوص رحم جایگزین شده است، این آشفتگی حقوقی موجب بروز مشکلات و طرح دعاوی متعددی در دادگاه های ایران به ویژه در سال های اخیر شده است.

از این رو ضروری است قانونگذار ایران با مداخله و قانونگذاری دقیق و شفاف، شرایط

دستیابی و آثار این قراردادها را به درستی تعیین نماید و زوجین درگیر در این نوع از باروری و کودکان متولد از آن را از پیامدها و آسیب های جدی احتمالی در امان نگاه دارد.

لازم به ذکر است که با نگاهی به وضعیت سایر کشورها به این امر دست یافتیم که کشورهای مختلف ورای تعیین نسب و ارث کودک در تلاشند تا بهره کشی زنان به حداقل ممکن کاهش یابد و این در حالی است که در ایران بحث، بحث نسب و ارث است در حالیکه علم پزشکی به صراحت نسب طفل را به صاحب تخمک منسوب می کند. حال باید با توجه به تمامی این پژوهش کوتاه به این سوالات بی پاسخ دست یابیم. سوالاتی که نیازمند پژوهش های میدانی بسیار و صادقانه است: آیا به همین میزان که به امور مربوط به تعیین نسب طفل و ارث او توجه می شود، به زنانی که در این وضعیت مورد بهره کشی خواهد بود توجه شده است؟ آیا قوانین ارائه شده پیرامون مادر جانشین توانسته است شرایطی را فراهم آورد که زنان مورد بهره کشی قرار نگیرند؟ آیا قوانین ایران به همان میزان که به ارث و نسب اهمیت می دهد به وضعیت زنان و مادران جایگزین نیز اهمیت داده است؟

پیشنهادها: در ابتدا پیشنهاد می شود تا پژوهش هایی میدانی در حیطه زنان و مادران جانشین صورت گرفته و این بار با دیدگاه های فمینیسمی به بررسی موضوع توجه شود.

با نظر به مطالعه حقوق کشورهای مختلف دنیا می توان گفت که روش نظارت قضایی پیشینی مناسب ترین الگو برای نظارت بر قراردادهای رحم جایگزین در ایران می باشد. به این ترتیب، همانند رویه قانونی موجود برای درخواست اهدای جنین در ایران، دادگاه پیش از انجام باروری از طریق رحم جایگزین بر شرایط زوج متقاضی و صلاحیت ایشان و مفاد قرارداد تنظیمی نظارت می نماید. همچنین مجوز دادگاه مستند تنظیم شناسنامه کودک به نام زوج متقاضی از سوی سازمان ثبت احوال خواهد بود. به علاوه، لازم است به منظور جلوگیری از ورود سودجویان و تجاری سازی روند درمان ناباروری، هر گونه تبلیغ تجاری در خصوص درمان ناباروری از طریق رحم جایگزین ممنوع شده و مجازات های کیفری مناسب برای افراد متخطی (زوج متقاضی، مادر حامل و واسطه گران) پیش بینی گردد.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
منابع فارسی:
- ۱- امامی. ع (۱۳۹۲). مطالعه مقایسه‌ای سلسله‌شناسی و جنسی در ایران و فرانسه. چاپ اول تهران: انتشارات میزان.
- ۲- جلالیا، محمد تقی (۱۳۸۶). «صحت قرارداد استفاده از رحم جایگزین»، مجموعه مقالات رحم جایگزین، تهران، انتشارات سمت و پژوهشکده ابن سینا (۳۳۱ تا ۳۶۰)
- ۳- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۹). اجوبه الاستفتاءات، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی.
- ۴- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). توضیح المسائل، قم: موسسه اسماعیلی
- ۵- رخشنده‌رو، هامیرا (۱۳۸۶). «قرارداد استفاده از رحم زن» مجموعه مقالات رحم جایگزین، تهران، انتشارات سمت و پژوهشکده ابن سینا (۳۸۴ تا ۴۰۹)
- ۶- روحانی، سید محمد صادق (۱۳۹۴). استفتاحات، قم: حدیث دل.
- ۷- شهیدی، مهدی، (۱۳۹۱). ارث، تهران، انتشارات مجد.
- ۸- صانعی، یوسف (۱۳۹۱). مجمع المسائل، چ دوم، انتشارات میثم تمار.
- ۹- غفاری، معرفت (۱۳۷۷). سمپوزیوم مسایل فقهی حقوقی انتقال جنین، تهران، دانشگاه تهران.
- ۱۰- قاسم‌زاده، مرتضی (۱۳۹۱). «اجاره رحم در حقوق ایران» مجموعه مقالات رحم جایگزین، تهران، انتشارات سمت و پژوهشکده ابن سینا (۴۳۷ تا ۴۵۳)
- ۱۱- قبله‌ای خویی، خلیل (۱۳۸۶). احکام وضعی کودکان ناشی از اهدای گامت در رابطه با توارث، دوره ۶، شماره ۴، صص ۳۷۱-۳۶۵.

- ۱۲- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۲). بررسی فقهی حقوق خانواده، تهران، مرکز نشر علوم انسانی.
- ۱۳- مسجد سرایی، اعظم (۱۳۹۶). واکاوی حکم ارث حمل در تکنیک های نوین، حقوق پزشکی، شماره ۴۱: صص ۷۹-۵۹.
- ۱۴- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۳). استفتائات جدید، قم: مدرسه امام علی.
- ۱۵- موسوی سیستانی (۱۳۸۰). منهاج الصالحین. چاپ اول قم: کتابخانه سیستانی.
- ۱۶- موسوی اردبیلی، «استفتائات»، (۱۳۹۰). ج ۱، قم، انتشارات نجات
- ۱۷- نایب زاده، عباس (۱۳۷۹). بررسی حقوقی روش های نوین باروری مصنوعی - «مادر جانشین - اهداء تخمک / جنین»، ص ۲۶۲.
- ۱۸- نجفی، محمدحسن (۱۳۹۴). جواهرالکلام، چ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه

منابع لاتین:

- 19- Herring J. Medical Law and Ethics. 5th ed. Oxford: Oxford University Press; 2014. p.390; Kiani M, Bazmi SH. The ethical issues in surrogacy motherhood. Medical Ethics 2011; 5(15): 153-158.
- 20- Hague Conference on Private International Law.
- 21- Génétique. GPA: que s'est-il dit à la conférence de la Haye?, 2018 Avril 17. Available at: <http://www.genethique.org/fr>; Hague Conference on Private International Law (HCCH). The Parentage/ Surrogacy Project, 2018. Available at: <https://www.hcch.net/de/projects/legislative-projects/parentagesurrogacy>.
- 22- Rezania-Mo'allem MR. Medical fertility from the view of fiqh and law. Qom: Boustane Ketab; 2010. p.482. [Persian]
- 23- European Parliament, A Comparative Study on the Regime of Surrogacy in EU Member States. Brussels: Policy Department C: Citizens' Rights and Constitutional Affairs; 2013. p.40-70.

- 24- Trimmings K, Beaumont PR. International surrogacy arrangements: legal regulation at the international level, United Kingdom. Oxford, Portland: Hart Publishing; 2013. p.230s.
- 25- La gestation pour autrui, Étude de législation comparée du Sénat. No.182. France: Service des études juridiques; 2008. p.12. Available at: <https://www.senat.fr/lc/lc182/lc182.pdf>.
- 26- La gestation pour autrui, Étude de législation comparée du Sénat. No 182. France: Service des études juridiques; 2008. p.31.
- 27- Oktay-Özdemir S. Incidence de la biomédecine sur la parenté en droit turc. In: Le Mintier-Feuillet Brigitte, Crespo-Brauner Maria-Claudia, Les incidences de la biomédecine sur la parenté: approche internationale. Bruxelles: Bruylant; 2014. p.209 .
- 28- Cass. civ. 1re, 13 déc. 1989, n.88-15.655; Ass. plén., 31 mai 1991, n.9020.105. 11. Terré F, Fenouillet D, Goldie-Genicon CH. Droit civil: la famille. 9e éd. Paris: Dalloz; 2018. p.830.
- 29- Contribution à la réflexion sur la maternité pour autrui, Rapport d'information du Sénat, No.421. France: Commission des affaires sociales du Sénat; 2008. p.14-16. Available at: <https://www.senat.fr/rap/r07-421/1074211.pdf>
- 30- Mater Semper Certa Est.
- 31- Malaurie PH, Fulchiron H. La famille. 6e éd. Paris: Lextenso; 2018. p.502.
- 32- Gaumont-Prat H. Bioéthique et droit: l'assistance médicale à la procréation. Bordeaux: les Études hospitalières; 2011. p.161.
- 33- Lemouland JJ. Droit de la famille. Paris: Ellipses; 2014. p.525.
- 34- Cass, civ. Ire, 13 sep. 2013 .
- 35- Cass. 1re civ., 6 avr. 2011, n.10-19053, n.09-66486, n.09-17130.

- 36- Cass. civ. 1re, 13 sep. 2013, n.12-30138 et 12-18315; Cass. civ. 1re, 19 mars 2014, n.12-50005.
- 37- CEDH 26 juin 2014, n.65192/11; CEDH 26 juin 2014, n.65941/11 .
- 38- Ass. plén., 3 juill. 2015, n.14-21323 et n.15-50002.
- 39- Courbe P, Gouttenoire A. Droit de la famille. 7e éd. Paris: Sirey; 2017. p.448.
- 40- Modern human reproductive techniques from the view of jurisprudence and law (conference proceedings). 3rd ed. Tehran: Samt publication & Avicenna specialized center for fertility; 2011. [Persian]; Rezanian-Mo'allem MR. Medical fertility from the view of fiqh and law. Qom: Boustane Ketab; 2010. [Persian]; Hamdelahi A, Roshan M. Comparative study of surrogacy agreements in fiqh and law. Tehran: Majd; 2009 .
- 41- Milanifar A, Akhondi M, Behjati Z, Abdolahzadeh A. Issuing birth certificates and id cards for newborns following a surrogate birth and the legal and ethical responsibilities of the medical team. Journal of Reproduction and Infertility 2008; 9(1): 82-88 .
- 42- Tabatabaei MS, Jalili M. The analysis of financial and non-financial rights of children who were born by the method of surrogacy. Medical Law Journal 2014; 8(30): 37-63.
- 43- Available at:
<http://www.j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Search.aspx>.
- 44- Code of practice, HFEA, 2016, s. 14.2-14.4.
- 45- Jackson E. Medical Law: Text, Cases and Materials. 4th ed. United Kingdom: Oxford University Press; 2016. p.882; Herring J. Medical Law and Ethics. 5th ed. Oxford: Oxford University Press; 2014. p.388.
- 46- Harris-Short S, Miles J, George R. Family Law: Text, Cases and Materials. Oxford: Oxford University Press; 2015. p.656.

- 47- Trimmings K, Beaumont PR. International surrogacy arrangements: legal regulation at the international level. Oxford: Hart publishing; 2013. p.369.
- 48- Mohseni E. Les enfants nés par l'assistance médicale à la procréation: étude comparée des droits français, anglais et iranien, thèse de doctorat. Lyon: Université Lyon III; 2017. p. 208.
- 49- Human Fertilisation and Embryology (Parental Orders) Regulations 2010; Harris-Short S, Miles J, George R. Family Law: Text, Cases and Materials. Oxford: Oxford University Press; 2015. p.658.
- 50- European Parliament, A Comparative Study on the Regime of Surrogacy in EU Member States. Brussels: Policy Department C: Citizens' Rights and Constitutional Affairs; 2013. p.40-50 .
- 51- Konstantinos AR. L'assistance médicale à la procréation en droit international privé comparé, thèse de doctorat. Paris: Université PanthéonSorbonne; 2016.
- 52- Law No 3089/2002 for the regulation of medically assisted human reproduction and law No 3305-2005.